امام علی(ع) از نگاه قرآن و اهل سنت

■ صادق حق‌شناس

با توجه به آن چه اهل سنت و شیعیان از حدیث پیامبر در همتا بودن قرآن و اهل بیت در حدیث ثقلین ذکر کرده‌اند مقام معصوم مقام مفسر اختصاصی قرآن به طور عام دین است که تکیه به قرآن بدون استفاده از وجود معصوم ممکن نیست. در این مقاله در بخش نخست شواهدی از تفاسیر شیعه و سنی در مورد توصیف علی(ع) از نگاه قرآن بیان شده و در بخش دوم به عنوان نمونه نگاه ۴تن از بزرگان اهل سنت نسبت به توصیف جایگاه امیرالمومنین آورده شده است.

***

پیشوای بزرگ جهان اسلام علی‌بن ابی طالب(ع) از چهره‌های درخشان تاریخ اسلام است که نه تنها همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی به او افتخار می‌کنند بلکه هر فردی که مختصر آشنایی با مکتب آن بزرگوار داشته باشد بی‌اختیار شیفته او گشته و از فضل و کرامت آن حضرت سخن می‌گوید و شخصیت خارق‌العاده او تحیر و شگفتی همگان را برانگیخته است و محققان و متفکران بزرگ در معرفی ابعاد وجودی او و بیان فضایلش به عجز و ناتوانی خود اعتراف کردند. تا آنجا که شبلی شمیل پیشوای مکتب مادی که تا پای مرگ دست از مادیگری برنداشت آن چنان مجذوب شخصیت آن بزرگوار شده است که می‌گوید امام علی ابن ابی‌طالب بزرگ بزرگان یگانه نسخه‌ای است که با اصل خود (یعنی پیامبرص) مطابق است، هرگز شرق و غرب، نسخه‌ای مطابق او در گذشته و حال ندیده است. (مبدا اعلی، ص ۱۶۱) قرآن کریم در موارد متعددی پرده از امتیازات و ویژگی‌های رفتاری ائمه هدی به ویژه امیرالمومنین(ع) برداشته و درباره هیچ کس پس از پیامبر اکرم(ص) به اندازه حضرت علی(ع) سخن نگفته است. گرچه نام آن حضرت در قرآن به صراحت نیامده است اما با عناوین و عبارات گوناگونی که از تصریح کردن بنام آن حضرت تاثیر بیشتری دارد. ابن عساکر وسیوطی از ابن عباس نقل می‌کنند نزلت فی علی ثلاث مئه آیه (سیصد آیه در حق علی(ع) در قرآن نازل شده است (تاریخ الخلفاء للسیوطی، ص ۱۷۰، الصواعق المحرقه لابن حجرمکی ص ۱۹۶، تاریخ بغداد للخطیب البغدادی، ج۶، ص۲۱۹، تاریخ مدینه دمشق لابن عساکر، ج ۴۲، ص ۳۶۴) با این بضاعت تنها به چند مورد از آن آیات شریفه اشاره می‌شود:

علی(ع) از نگاه قرآن

۱- ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافورا... و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا، انما نطعمکم لوجه الله لانرید منکم جزاء ولاشکورا. (انسان آیه ۵ و۸ و ۹) نیکان از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است... آنان غذای خود را با اینکه به آن علاقه و نیاز دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند و می‌گویند ما شما را برای خدا طعام میدهیم و هیچ پاداش و تشکری از شما نمی‌خواهیم. تفسیر آیه در کلام اهل تسنن و تشیع عده‌ای از عالمان معروف اهل تسنن با نقل حدیثی در کتاب‌های خود، این آیات را درباره ایثار علی(ع) و خاندان او دانسته‌اند و تمامی علمای شیعه هیجده آیه مورد بحث را از افتخارات بی‌نظیر و فضایل بسیار مهم حضرت علی(ع) فاطمه زهرا و فرزندانشان شمردند. (تفسیر نمونه، ج۲۵، ص ۳۴۵) ماجرای نزول آیات بدینگونه بود که امام حسن و حسین(ع) بیمار شدند. پیامبر(ص) با جمعی از یاران به عیادتشان رفتند و به علی(ع) فرمودند: ای ابوالحسن! خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می‌کردی. علی و فاطمه و فضه- خادم آنان- نذر کردند اگر آندو شفا یابند. سه روز روزه بگیرند (طبق برخی از روایات حسن وحسین(ع) نیز گفتند ما هم نذر میکنیم روزه بگیریم) چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند، در حالی که از نظر مواد غذایی دست خالی بودند. علی سه من جو قرض نمود و فاطمه(س) یک سوم آن را آرد کرد و نان پخت، هنگام افطار سائلی بر در خانه آمد و گفت سلام بر شما ای خاندان محمد(ص) مستمندی از مستمندان مسلمان هستم، غذایی به من دهید، خداوند به شما از غذاهای بهشتی مرحمت کند. آنان همگی مسکین را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب ننوشیدند. روز دوم همچنان روزه گرفتند و موقع افطار یتیمی ندای کمک سرداد و باز آنان غذای خود را به او دادند. و در سومین روز روزه، اسیری از غذای آنان طلب نمود و باز آنان با آب افطار نمودند. صبح فردا علی(ع) دست حسن و حسین را گرفته، خدمت رسول‌الله آمدند و هنگامی که حضرت عزیزان خود را نظاره می‌کرد دید از شدت گرسنگی می‌لرزند! فرمود این حالی را که در شما می‌بینم برایم بسیار گران است. سپس برخاست و با آنان به خانه فاطمه وارد شدند. دید دخترش در محراب عبادت ایستاده است. در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به پشتش چسبیده و چشمانش به گودی نشسته است. اندوه وجود پیامبر(ص) را فرا گرفت و در حالی که غبار غم بر قلب مبارک حضرت نشسته بود. جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد این سوره را بگیر، خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می‌گوید سپس سوره هل‌اتی (انسان) و هیجده آیه مربوط به ایثار حضرت علی، حسن و حسین(ع) را نازل نمود. (تفسیر احسن‌الحدیث، ج۱۲ ص۲۷۴/ الجدید، ج۷ ص۲۸۳/ التفاسیر، ج۷ ص۱۳۹/ الکاشف، ج۴ ص ۶۷۰/ کشف‌الاسرار، ج۱۰ ص۳۱۹)

۲- و من‌الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات‌الله والله رئوف بالعباد (بقره آیه ۲۰۷) بعضی از مردم (با ایمان و فداکار) همچون علی(ع) در لیله‌المبیت به هنگام خفتن در جایگاه پیامبر(ص) جان خود را در برابر خشنودی خدا می‌فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. تفسیر آیه در کلام اهل سنت مفسر معروف اهل تسنن، ثعلبی می‌گوید: هنگامی که پیامبر اسلام تصمیم به هجرت از مکه به مدینه گرفت برای تحویل امانت‌های مردم و پرداخت پول‌های آنان، علی(ع) را بجای خود قرار داد و شب هنگام که به سوی «غار ثور» حرکت نمود و مشرکان اطراف خانه او را محاصره کرده بودند. دستور داد علی(ع) در بستر او بخوابد و پارچه سبز رنگی (برد خضرمی) که مخصوص خود پیامبر بود روی خویش بکشد. در این هنگام خداوند به جبرئیل و میکائیل وحی فرستاد که من بین شما برادری ایجاد کردم و عمر یکی از شما را طولانی‌تر قرار دادم کدام یک از شما حاضر است ایثار به نفس کند و زندگی دیگری را بر خود ترجیح دهد هیچیک حاضر نشدند. به آنان وحی کرد اکنون علی(ع) در بستر پیامبر(ص) خوابیده است و آماده فدای جان خویش است به زمین روید حافظ و نگاهبان او باشید. هنگامی که جبرییل بالای سر و میکاییل پایین پای علی نشسته بودند، جبرییل می‌گفت به‌به! آفرین بر تو ای علی! خداوند به واسطه تو بر فرشتگان افتخار می‌کند. در این هنگام آیه ومن الناس... نازل شد و در آن صفات علی(ع) بیان گردید. (تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم و جمعی از نویسندگان، ج۲، ص۴۶/ الغدیر ج۲ ص۴۴) ابن ابی‌الحدید معتزلی از اهل سنت که درباره تفسیر این آیه بر این باور است، حماسه علی(ع) در لیله‌المبیت مورد تأیید همگان است و غیر از کسانی که مسلمان نیستند و افراد سبک مغز آن را انکار می‌کنند. (شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید ج۳ ص ۳۷۰/ مسند احمد حنبل ج۱ ص۳۴۸/ سیره ابن‌هشام ج۲ ص۲۹) و برخی دیگر از بزرگان اهل سنت در کتاب‌های خود آوردند که در این مقال نمی‌گنجد.

۳- (آیه تطهیر) انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل‌البیت و یطهرکم تطهیرا (احزاب/ ۳۳) حادثه‌ای در خانه ام‌سلمه، همسر گرامی رسول خدا(ص) اتفاق افتاده است. ام‌سلمه می‌گوید: پیامبر در خانه من بود که ناگهان حالت نزول وحی به ایشان دست داد. به من فرمود بی‌درنگ برو به علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم‌السلام) بگو بیایند. من هم بسرعت آنها را فراخواندم. پیامبر(ص) همگی آنها را در زیر کسای یمانی جمع کرد و در آن حال آیه فوق بر ایشان نازل شد آنگاه پیامبر فرمود: اللهم هولاء اهل‌بیتی فاذهب عنهم‌الرجس و طهرهم تطهیرا. بار الها اینان اهل‌بیت منند پس هرگونه پلیدی را از ایشان دور کن و پاک و معصومشان گردان. ام‌سلمه در ادامه می‌گوید به پیامبر عرض کردم اجازه می‌فرمایید من هم نزد شما بیایم و در زیر کسا جای گیرم؟ پیامبر فرمود: تو در جای خودت باقی بمان، هرچند که زن خوبی هستی. یعنی اینجا نه‌تنها جای تو نیست بلکه هیچ کس دیگر لیاقت چنین جایگاهی را ندارد. پس از این ماجرا فرمانی از جانب خدا آمد که: وامر اهلک بالصلوه و اصطبر علیها (طه/۱۳۲) یعنی خاندان خود را به نماز امر کن و از آنان بخواه در بپا داشتن نماز شکیبایی ورزند. پیامبر تا ۶ ماه و بعضی روایات ۹ ماه هرگاه برای نماز صبح به مسجد می‌رفت کنار در خانه علی و فاطمه علیهما السلام می‌ایستاد به آنان سلام می‌کرد و با صدای بلند می‌فرمود: الصلوه یا اهل البیت. و سپس آیه تطهیر را تلاوت می‌فرمود. (صحیح ترمزی ج۵ ص۳۵۱ و ۳۵۲، مستدرک علی‌الصحیحین ج۳ ص۱۵۹، تفسیر الدرالمنثور ذیل آیه ۱۳۲ سوره طه)

۴- خداوند در سوره مبارکه شوری آیه۲۳ به پیامبر خاتم(ص) خطاب می‌کند قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی. یعنی ای پیامبر به مردم بگو از شما مزدی را درخواست نمی‌کنم مگر دوستی خویشاوندان نزدیکم. حال جای سئوال اینجاست که خداوند از نبی مکرمش می‌خواهد برای رسالتش از مردم مطالبه مزد کند و دوستی خویشاوندان نزدیکش را به عنوان پاداش رسالت از مردم بخواهند، این خویشاوندان و نزدیکان کیانند؟ آنچه از لسان بزرگان اعم از شیعه و سنی در تفسیر این آیه وارد شده است مراد از قربی در آیه شریفه، مسلماً برجسته‌ترین مصادیق آن علی است. فخر رازی می‌گوید: زمخشری در کشاف روایت کرده چون این آیه نازل شد، گفتند یا رسول‌الله خویشاوندانی که برما محبتشان واجب است کیانند؟ فرمود علی و فاطمه و پسران آنان. و روایات دیگر که همه دلالت بر این موضوع دارند. پس نتیجه می‌گیریم که این چهار نفر قربای پیامبرند و بایست از احترام و دوستی مردم برخوردار باشند. (جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام/ شهید مطهری ص۹۵ و ۹۶، نقل از والتفسیر الکبیر فخر رازی، ج۲۷، ص۱۶۶، چاپ مصر)

*** درک مقام امیرالمؤمنین(ع) جز از رسول خدا و ائمه معصومین(ع) ساخته نیست، دیگران هر یک به فراخور استعداد و ظرفیت، بهره‌ای از شناخت دارند؛ و هر یک از بزرگان دانش به بعدی از شخصیت آن حضرت پرداخته‌اند**

*** حضرت محمد(ص) در موقعی که به جنگ تبوک می‌رفت و علی(ع) را به جای خود در مدینه گذارده بود، به وی گفت: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی می‌باشی، ولی پس از من پیغمبری نخواهد بود.**

مقام امام علی(ع) از دیدگاه دانشمندان اهل سنت

قبل از هر چیز ذکر این نکته ضروری است که درک مقام امیرالمؤمنین(ع) جز از رسول خدا و ائمه معصومین(ع) ساخته نیست، دیگران هر یک به فراخور استعداد و ظرفیت، بهره‌ای از شناخت دارند؛ و هر یک از بزرگان دانش به بعدی از شخصیت آن حضرت پرداخته‌اند که اینجانب نیز از میان صدها مورد تنها به چند مورد در ذیل اشاره می‌نمایم.

۱- دکتر طه حسین نویسنده عالیقدر و چیره‌دست مصری درباره علی(ع) می‌گوید: محمد(ص) علی را به خانه خود بردو پرورش او را به عهده گرفت و وقتی محمد(ص) به رسالت مبعوث شد، علی بیش از ۱۰سال نداشت ولی می‌توانیم بگوییم او با اسلام نشو و نما یافت. پیغمبر خیلی او را دوست و عزیز می‌داشت. در موقعی که پیغمبر هجرت کرد، امانتهای مردم را به علی داد تا آنها را به صاحبانشان پس بدهد و در آن شبی که قریش کمر قتل محمد(ص) را بسته بودند، او به علی امر کرد که در بسترش بخوابد. پس از آن علی به دنبال محمد(ص) به مدینه رفت و در آنجا پیامبر با علی عقد برادری بست و سپس دخترش فاطمه را به عقد ازدواج وی درآورد. علی در تمام جنگها، در رکاب پیغمبر و در ایام سختی پرچمدار او بود و حضرت محمد در جنگ خیبر به اصحاب خود گفت: «فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست می‌دارد و آنها هم او را دوست می‌دارند» و چون روز دیگر شد پرچم را به علی(ع) داد.

حضرت محمد(ص) در موقعی که به جنگ تبوک می‌رفت و علی(ع) را به جای خود در مدینه گذارده بود، به وی گفت: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی می‌باشی، ولی پس از من پیغمبری نخواهد بود. (علی(ع) و فرزندانش/ دکتر طه حسین؛ مترجم: محمدعلی شیرازی- ص ۱۹ و ۲۰)

۲- انس‌بن مالک می‌گوید: هر روز یکی از فرزندان انصار کارهای پیغمبر را انجام می‌داد. روزی نوبت من بود. ام ایمن مرغ بریانی را در محضر پیغمبر آورد و گفت: یا رسول‌الله این مرغ را خود گرفته‌ام و به خاطر شما پخته‌ام. حضرت گفت: خدایا محبوب‌ترین بندگانت را برسان که با من در خوردن این مرغ شرکت کند. در همان هنگام در کوبیده شد؛ پیغمبر فرمود: انس در را باز کن. گفتم خدا کند مردی از انصار باشد. امام علی(ع) را پشت در دیدم. گفتم پیغمبر مشغول کاری است و برگشتم سرجایم ایستادم. بار دیگر در کوبیده شد پیغمبر گفت در را باز کن. باز دعا می‌کردم مردی از انصار باشد. در را باز کردم باز علی بود. گفتم پیغمبر مشغول کاری است و برگشتم بر سر جایم ایستادم. باز درکوبیده شد. پیغمبر فرمودند انس برو در را باز کن و او را به خانه بیاور تو اول کسی نیستی که قومت را دوست داری. او از انصار نیست. من رفتم و علی را به خانه آوردم و با پیغمبر مرغ بریان را خوردند که طبق این روایت نتیجه می‌گیریم علی(ع) محبوب‌ترین افراد در پیشگاه خداست. (مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۱)

۳- عبدالفتاح عبدالمقصود (نویسنده و دانشمند مصری) می‌نویسد: من همواره اخلاق و موهبتهای الهی و آنچه را تشکیل‌دهنده شخصیت است، مقیاس شناخت عظمت انسانی قرار می‌دهم؛ از این رو بعد از پیامبر کسی را ندیده‌ام که شایسته باشد پس از او قرار گیرد یا بتواند در ردیفش باشد جز پدر فرزندان پاک و برگزیده پیامبر یعنی «علی‌بن ابی‌طالب» و من دراین سخن به طرفداری از تشیع وارد نشده‌ام بلکه این رأیی است که حقایق تاریخ گویای آن است. امام علی(ع) برترین مردی است که مادر روزگار تا پایان عمر خود چون او نزاید، و اوست که هرگاه هدایت‌طلبان به جست‌وجوی اخبار و گفتارش برآیند، از هر خبری برای آنان شعاعی می‌درخشد، آری او مجسمه‌ای از کمال است که در قالب بشریت ریخته است. (جلوه ولایت/ عذرا انصاری/ چاپ اول/ ص ۳۰۴)

۴- ابن‌ابی‌الحدید(شارح نهج‌البلاغه و دانشمند معتزلی مذهب) می‌گوید: «وما اقول فی رجل اقر له اعداوه و خصومه بالفضل و لم یمکنهم جحد مناقبه و لا کتمان فضائله؛ چه بگویم درباره مردی که دشمنانش به فضایل و مناقب وی اعتراف می‌کنند و هرگز برای آنان مقدور نشد که مناقبش را انکار نموده و فضایلش را بپوشانند! سپس می‌گوید بنی‌امیه، زمامداری اسلامی را در شرق و غرب روی زمین به دست آوردند و با هر نوع حیله‌گری در خاموش ساختن نور او کوشیدند و هرگونه لعن و افترا را بر علی(ع) بالای منابر ترویج نمودند، هرکس که او را مدح و توصیف می‌کرد، مورد تهدید قرار می‌گرفت. هر روایتی که فضیلت علی(ع) را بازگو می‌کرد، ممنوع ساختند. حتی از نامگذاری به نام علی جلوگیری کردند. همه این اقدامات و تلاشها جز ظهور عظمت و جلالت شخصیت علی(ع) نتیجه‌ای در پی نداشت... در حقیقت این همه نابکاریهای بنی‌امیه مانند پوشانیدن آفتاب با کف دست بود... من چه بگویم درباره مردی که همه فضیلتها به او منتهی می‌شود و هر مکتب و هر گروهی خود را به او منسوب می‌نماید. آری اوست رئیس همه فضیلتها...

من چه بگویم درباره مردی که همه مذاهب غیراسلامی که در جوامع اسلامی زندگی می‌کنند، به او محبت می‌ورزند و حتی فلاسفه‌ای که از ملت اسلامی نیستند، او را تعظیم می‌نمایند... (شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۱۶ و ۲۸ و ۲۹) او که فصاحت و بلاغت حضرت علی(ع) را فوق بشر می‌داند، می‌گوید: فهو امام الفصحاء و سیدالبلغاء یعنی پیشوا و امام فصیحان و آقای کسانی بود که در سخن بلاغت داشتند. عظمت سخنش به حدی بود که گفته‌اند پائین‌تر از کلام خالق و فراتر از کلام مخلوق بود (دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق)- پاورقی/ شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، مقدمه، ص ۱۲۰).

در پایان می‌توان گفت با توجه به آنچه گفته شد به وضوح درمی‌یابیم که فضایل و مناقب امیرالمؤمنین(ع) نه‌تنها درجوامع اسلامی، بلکه نور آن همه عالم را فرا گرفته است گرچه عده‌ای از دشمنان قسم‌خورده تلاش کردند که این نور را خاموش کنند. والله متم نوره ولو کره الکافرون (صف/ آیه ۸) ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هرچند کافران خوش نداشته باشند. علی(ع) نورخداست و نورخدا خاموش شدنی نیست.

آثار روحی و اخلاقی نماز

■ مرتضی پورمقصود

بسیاری از مردم در جهان امروز دچار انواع بیماری‌های روحی و روانی و مشکلات اخلاقی هستند. افسردگی شدید، اختلافات خانوادگی، خیانت همسران، طلاق و جدایی، خانه‌گریزی، هنجارشکنی و شرارت و مانند آنها تنها گوشه‌ای کوچک از آثار اجتماعی فقدان تعادل روانی در افراد جامعه است.

روان شناسان به عنوان درمانگران خط‌مقدم تلاش دارند تا با شیوه‌های روان‌درمانی و گاه دارودرمانی، به کاهش علل و عوامل بپردازند و تعادل را به شخص بازگردانند. هر چند که میان تن و روان ارتباط تنگاتنگی است، ولی همیشه نمی‌توان با نگاه مادی به روان به درمان بیماری‌های آن پرداخت. نویسنده با مراجعه به آموزه‌های وحیانی قرآن بر آن است تا راهکارهای آفریدگار انسان را در این حوزه بررسی کند و مسیری دیگر را برای درمان مشکلات اخلاقی، روحی وروانی مطرح کند. از جمله راهکارهای پیشنهادی قرآن، نماز است که به عنوان ذکرالله عامل اطمینان و سکونت روحی و روانی بشر می‌شود و تعادل و میانه‌روی را به شخصیت انسانی باز می‌گرداند.

***

خاستگاه بیماری‌های روانی و اخلاقی از نظر قرآن

از نظر آموزه‌های قرآنی ریشه همه بیماری‌های روانی و اخلاقی در اموری چون کفر، شرک، نفاق، ولایت شیطان و مانند آن نهفته است؛ زیرا خداوند انسان را در حالت تعادل کامل آفریده است (شمس، آیه۷)، اما اموری چون کفر و شرک و شیطان، آدمی را به فجور می‌کشاند و زمینه سرکوب و زنده به گور کردن عقل و فطرت را فراهم می‌آورد (شمس، آیات ۸ تا ۱۰) و انسان را از تعادل بیرون می‌برد. این‌گونه است که انسان از درون دچار خلأ شده و احساس تهی شدن به او دست می‌دهد و به اضطراب و تلاطم می‌افتد. این اضطراب و تلاطم تعادل روانی را از شخص سلب می‌کند و نمی‌تواند در فکر و اندیشه و رفتار، طبیعی باشد.

عوامل اضطراب

اضطراب که در لغت به معنای پریشانی، بی‌تابی و سراسیمگی است (فرهنگ فارسی معین) در اصطلاح روان‌شناسی، حالتی همراه با احساس بیم و نگرانی است و با نشانه‌های جسمانی که از وجود فعالیت مفرط دستگاه عصبی حکایت دارد، به صورت خودکار مشخص می‌شود. (چکیده روان‌پزشکی بالینی، ص ۱۱۰-۱۱۱)

احساس بیم واقعی هر چند دارای علل و عوامل متعددی است، ولی باید توجه داشت که ریشه اصلی را می‌بایست در فقدان ذکر خدا جست؛ زیرا حقیقت انسان را خداوند پر کرده است و وجودی در هستی جز خدا نیست که همه موجودات به وجودشباقی و برقرار هستند؛ هرگاه آدمی دچار اموری چون نسیان از خداوند شود، نوعی خلا در او پدید می‌آید که موجب اضطراب و تلاطم می‌شود؛ چراکه خداوند در صورت نسیان آدمی، او را به حال خود رها می‌کند که در اصطلاح نسیان پاداشی است. (توبه، آیه۶۷)

این حالت نسیان که آدمی نسبت به خدا دارد، به‌طور طبیعی موجب می‌شود که انسان خود را گم کرده و فراموش نماید و دچار خلا وجودی شود. از همین‌رو خداوند در آیه ۱۹ سوره حشر، بازتاب نسیان خدا را نسیان خودشان دانسته است. این نسیانی که برآیند نسیان خداست، موجب می‌شود که انسان دچار انواع مشکلات روحی و روانی شود و به اضطراب و تلاطم افتد و روح و روانش آرامش خود را از دست دهد.

خداوند در همین راستا مخالفت با خود و پیامبرانش را عامل دیگر اضطراب معرفی می‌کند و به آدمی هشدار می‌دهد که چنین رویه‌ای جز اضطراب و پریشانی برای آنان ثمره‌ای نخواهد داشت؛ چراکه هرگونه مخالفت با خدا و پیامبر(ص) رعب و دلهره را در دل‌های آدمی سبب می‌شود و آرامش و سکونت و اطمینان را از او سلب می‌کند. (انفال، آیات۱۲ و ۱۳؛ حشر، آیات ۲و۴)

قرآن امور دیگری را به عنوان علل و عوامل اضطراب معرفی کرده است که از جمله آنها می‌توان به جنگ (توبه، آیه۲۵؛ احزاب، آیات۹ تا ۱۹)، شایعات و اراجیف (احزاب، آیه۶۰)، طوفان‌های شدید (یونس، آیه۲۲ و ۲۳)، محاصره (احزاب، آیات۹ و ۱۰)، گرفتاری و بلایا و مصائب (بقره، آیه۲۱۴؛ انعام، آیات ۶۳ و ۶۴) اشاره کرد؛ اما باید دانست که همه اینها به کفر و شرک (آل‌عمران، آیه۱۵۱) و سست ایمانی باز می‌گردد؛ چراکه اگر خداوند در همه جان انسان حضور دایمی داشته و انسان به یاد خدا دلش را آباد کرده باشد، دیگر هیچ چیزی نمی‌تواند این کشتی استوار شده با لنگر خدا و یادش را تکان دهد و مضطرب سازد. از این‌رو خداوند به صراحت ذکر الله را در آیه ۲۸ سوره رعد به عنوان لنگر اطمینان قلوب معرفی می‌کند و به ذکر الهی فرمان می‌دهد.

ذکرالله، علت اطمینان و آرامش

خداوند در آیه ۱۰ سوره قصص به روشنی بیان می‌کند که ارتباط با خداوند مهم ترین عامل اطمینان و آرامش است که به طور طبیعی موجب می‌شود که رفتارهای انسان، عقلانی، منطقی، فطری و مثبت باشد و از هرگونه مشکل‌آفرینی در امان ماند.

قرآن تاکید می‌کند که ذکر الهی می‌تواند دل‌ها را آرام کرده و در حالت اعتدال و تعادل نگه دارد و از هرگونه اضطراب و تلاطم در امان دارد یا اضطراب را بردارد و درمان نماید. از جمله مهم ترین آیات می‌توان به آیه ۲۸ سوره رعد اشاره کرد که خداوند می‌فرماید: الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذکرالله الا بذکر الله تطمئن القلوب؛ همان کسانی که ایمان آورده و دل‌هایشان به ذکر الهی مطمئن شده است؛ آگاه باشید که به یاد خداوند دل‌ها آرام می‌شود.

نماز، ذکرالله و آثار آن

از آموزه‌های قرآنی و روایی این معنا به دست می‌آید که نماز یکی از مهمترین اذکار الهی است. خداوند در آیاتی به مصادیق ذکر الهی اشاره کرده و نماز را به عنوان یکی از آنها معرفی نموده است. (بقره، آیات ۲۳۸ و ۲۳۹؛ آل‌عمران، آیه ۱۹۱؛ نساء، آیه ۱۴۲: طه، آیه ۱۴؛ توبه، آیه ۳۷؛ عنکبوت، آیه ۴۵؛ انسان، آیه ۲۵، جمعه، آیه ۹)

پس اگر انسان می‌خواهد گرفتار اضطراب نشود یا از اضطراب بیرون آید و خود را به ساحل آرامش و اطمینان رساند یا در دریای توفان زده دنیا خود را به لنگر محکمی استوار سازد و ثبات و اطمینان به دست آورد باید به نماز به عنوان یکی از مصادیق بلکه مهم ترین مصداق ذکر الهی چنگ زند و از آن سود برد.

البته باید توجه داشت که ذکر الهی تنها موجب آرامش دلها نمی‌شود چنانکه در آیه ۲۸ سوره رعد و آیات ۱۲۳ و ۱۲۴ سوره طه بیان شده است، بلکه ذکر الهی حتی در جسم نیز آثار آرامش پدید می‌آورد و پوست بدن انسان نیز به نوعی آرامش خاص می‌رسد که از راه‌های دیگر حاصل نمی‌شود. (زمر، آیه ۲۳)

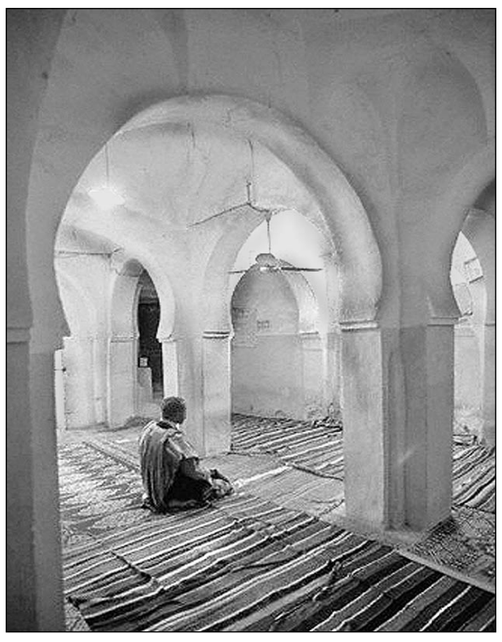

*** انسانی که اهل نماز است، در چنان آرامشی قرار می‌گیرد که دیگر اهل جزع و فزع نخواهد بود و هنگامی که با مشکلات و گرفتاری‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، با استعانت به این ذکر الهی چنان آرامش دارد که هیچ تندبادی از گرفتاری‌ها و مشکلات و مصائب نمی‌تواند آرامش خاطر و روح و روانش را به هم زند و رفتارش را غیرمتعادل سازد.**

انسانی که اهل نماز است، در چنان آرامشی قرار می‌گیرد که دیگر اهل جزع و فزع نخواهد بود و هنگامی که با مشکلات و گرفتاری‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، با استعانت به این ذکر الهی چنان آرامش دارد که هیچ تندبادی از گرفتاری‌ها و مشکلات و مصائب نمی‌تواند آرامش خاطر و روح و روانش را به هم زند و رفتارش را غیرمتعادل سازد.

از نظر قرآن اصولا کسانی که اهل نماز نیستند و با ذکر الهی در ارتباط نمی‌باشند گرفتار حالات روانی شدید و هیجانات نامتعارف روحی و روانی چون جزع و فزع می‌شوند و در هنگام مشکلات خود را می‌بازند (معارج، آیات ۲۰ و ۲۲) چنانکه در هنگام رفاه و دارایی، رفتاری زشت و ضداخلاقی چون بخل را در پیش می‌گیرند و کارهای نیک انجام نمی‌دهند. (همان، آیات ۲۱ و ۲۲)

*** از نظر قرآن اصولا کسانی که اهل نماز نیستند و با ذکر الهی در ارتباط نمی‌باشند گرفتار حالات روانی شدید و هیجانات نامتعارف روحی و روانی چون جزع و فزع می‌شوند و در هنگام مشکلات خود را می‌بازند چنانکه در هنگام رفاه و دارایی، رفتاری زشت و ضداخلاقی چون بخل را در پیش می‌گیرند و کارهای نیک انجام نمی‌دهند.**

خداوند در سوره معارج به تفصیل به دو رفتار متضاد اهل نماز و بی‌نماز اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه اهل ذکر بودن می‌تواند انسان را به رفتارهای صحیح اخلاقی و تعادل و اعتدال در روح و روان برساند، در حالی که بی‌نمازی و ترک ذکرالله عامل اصلی بسیاری از مشکلات روحی و روانی و نابهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی است.

نماز به عنوان معراج مومن، موجب افزایش ظرفیت روحی انسان و سیر ملکوتی او می‌شود و به گونه‌ای که از نظر فهم و شهود در درجات بالاتری از دیگران قرار می‌گیرد. از آیات ۲ و ۵ و ۶ سوره مزمل برمی آید که اقامه نماز زمینه دریافت معارف بلند و سنگین را فراهم می‌آورد و مشکلات علمی و ادراکی را برطرف می‌سازد.

خداوند در خصوص آثار و فلسفه‌های نماز، به دوری انسان از ناپسندها و منکرات و فحشا و گناهان در آیه ۴۵ سوره عنکبوت اشاره می‌کند. بنابراین، کسی که در اندیشه تقوا و رهایی از هر گونه زشتی است می‌بایست به نماز به عنوان بازدارنده و جلوگیری‌کننده ازآن‌ها توجه داشته باشد. اگر کسی بخواهد یاد خداوند را همیشه در دلش زنده نگه دارد باید نماز را بارزترین مصداق ذکر بداند. البته براساس آیات قرآنی، نماز و قرآن هر دو از این ویژگی ذکرالله بودن برخوردار می‌باشند.

با توجه به این آیه می‌توان گفت که خواندن قرآن، اقامه نماز و ذکر دائم سه موضوعی است که می‌تواند آدمی را در برابر زشتی‌ها حفاظت کند. ذکر در آیه به عنوان امر بزرگ از آن یاد شده است که در نماز و قرآن خواندن بروز پیدا می‌کند.

از نظر قرآن، بسیاری از بیماری‌های روحی و روانی و نیز مشکلات اخلاقی را می‌توان با نماز و ذکر الهی برطرف کرد و باید به نماز و دیگر اذکار الهی چون قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) به عنوان راهکارهای درمان اضطراب و تشویش توجه داشت و از آنها بهره برد. اگر خداوند دنیا را براساس نظام اسباب مدیریت می‌کند و از انسانها خواسته است که از اسباب برای رسیدن به هر مطلوبی استفاده کنند، (مائده، آیه ۳۵) به این نکته هم توجه داده که اسباب معنوی و فرامادی در بسیاری از موارد قوی‌تر و سریع‌تر از اسباب مادی و دنیوی عمل می‌کنند و از همین رو خداوند دعا و استعانت از صبر و نماز را برای رسیدن به آرامش و خشوع و دیگر نیازها و برطرف کردن مشکلات مطرح می‌کند و از بشر می‌خواهد تا از عوامل معنوی برای درمان خود و رسیدن به مقاصد بهره گیرند. (بقره، آیات ۴۵ و ۱۵۳؛ نمل، آیه ۶۲)

چراغ راه

شب قدر و دفع عذاب یک سال

قال‌النبی(ص): من احیی لیله‌القدر، حول عنه‌العذاب الی السنه القابله

پیامبر گرامی(ص) فرمود: «هر کس شب قدر را احیا بدارد، تا سال آینده، عذاب از او برداشته می‌شود»[1]

۱- اقبال‌الاعمال، ج۱، ص۳۴۵

حکایت خوبان

ماهیت شب قدر

سعیدبن یسار نقل می کند: پیش معلی‌بن خنیس بودم که فرستاده امام صادق(ع) آمد، به او گفتم: از امام(ع) درباره شب قدر سؤال کن. وقتی برگشت، به او گفتم: پرسیدی؟ گفت آری. آنچه را خواستم و آنچه را نمی‌خواستم، به من خبر داد. فرمود: ان‌الله یقضی فیها مقادیر تلک السنه، ثم یفذف به الی‌الارض، خداوند در آن شب، مقدرات آن سال را حتمی می‌کند. پس آن را (توسط ملائکه) به سوی زمین فرود می‌آورد.

پرسیدم نزد چه کسی است؟

فرمود: «الی من تری» به کسی که می‌بینی (یعنی خدمت خود حضرت به عنوان امام آن عصر)۱ همچنین در روایتی دیگر از امام باقر(ع) سؤال شد، شما شب قدر را می‌شناسید؟ حضرت فرمود: «و کیف لانعرف لیله‌القدر و الملائکه یطوفون بنافیها» چگونه شب قدر را نشناسیم در حالی که فرشتگان در آن شب بر گرد ما می‌چرخند؟!۲

۱- بصائر الدرجات، ص۲۲۱ ۲- تفسیر قمی، ج۲، ص۴۳۱

پرسش و پاسخ

رابطه شأن نزول و تفسیر آیات

پرسش :

آیا در تفسیر قرآن کریم، دانستن شأن نزول نیز لازم است؟

پاسخ :

قرآن مجید در ظرف بیست و سه سال به دنبال یک سلسله سؤال‌ها و پرسش‌ها و یا واقعه‌ها و رویدادها، نازل شده است، آگاهی از شأن نزول‌ها به مفهوم آیه روشنی خاصی می‌بخشد، این نه به آن معنی است که بدون شأن نزول نمی‌توان به معنی آیه واقف شد و آن را تفسیر نمود، بلکه آیات قرآن ـ به حکم این که آیهٔ «هدایت»، «بینه» و «فرقان» است، چنان که قرآن کریم دربارهٔ آن می‌فرماید: «هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان»، قرآن برای هدایت مردم فرستاده شده و در آن نشانه